

زیارت در ادیان و بررسی فواید و آفات آن

محسن صمدانیان*

استادیار دانشگاه اصفهان

نازیلا عادل‌فر**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۴)

چکیده

زیارت در سیره انبیاء و ائمه اطهار^(ع)، به‌ویژه فرهنگ شیعه، جایگاه و اهمیت خاصی دارد، اما این امر از سوی برخی جریان‌های روشنفکران و فرقه‌ساختی، نظیر وهابیت، مورد تخطئه قرار گرفته است. از این روی، این نوشتار درصدد بررسی جایگاه زیارت از دیدگاه ادیان و اقوام گذشته تا زمان اسلام و پس از آن، با روش استدلال عقلی و نقلی است تا نسبت آن با کفر و توحید به دست آید. در این مسیر، شناخت اهداف و فواید زیارت، از جمله الگوگیری از بزرگان، تکریم و پاسداری از آرمان‌های آنان، کسب آرامش روحی و معنوی، ایجاد رقت قلب، افزایش یاد خدا و آخرت، شناخت ائمه^(ع) از طریق متون برخی از زیارات مأثور و مهم‌تر از همه، شفاعت، ضروری به نظر می‌رسد. البته واضح است که زیارت نیز مانند هر عمل عبادی دیگر، آفاتی دارد که باید جستجو و برطرف شود. با تفحص در مفاهیم، آداب و جملات زیارات مأثور استنباط می‌شود که هیچ یک از آنها دلیل بر شرک نیست و زیارت در راستای توحیدی شدن زائر عمل می‌کند. در روایات، زیارت با شرط معرفت حق امام «عارفاً بحقه» زیارت خداوند محسوب می‌شود. بنابراین، زیارت اولیای الهی در مسیر لقاءالله است.

واژگان کلیدی: تاریخ، زائر، زیارت، شفاعت، مقابر.

* Email: m.samadanian@ltr.ui.ac.ir

** Email: nadelfar@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

«زیارت، تعظیم، تکریم، گرامیداشت و یادکرد انسان‌های شایسته، هنرمند، فرهیخته، فرهنگ‌ساز، نقش‌آفرین، مصلح، متحوّل‌کننده تاریخ... و نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنها پس از مرگ، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان‌ها به نیکی‌ها و کمالات است و ریشه در فطرت و سرشت آدمی دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۷).

در باب برخی زیارات، از جمله زیارت عاشورا، جامعه، زیارت امام رضا^(ع) و زیارات مربوط به امیرالمؤمنین^(ع)، تحقیقات نسبتاً زیادی صورت گرفته است، اما با توجه به اشکال‌هایی که برخی برای نفی مسئله زیارت مطرح می‌کنند و آن را نمود شرک می‌دانند، در این نوشتار، جزءبه‌جزء این مسئله بررسی شده است. ابتدا مروری اجمالی بر تاریخچه زیارت از زمان خلقت آدم ابوالبشر تاکنون صورت گرفته است تا پاسخ پرسش‌های زیر روشن گردد: آیا مسئله زیارت مقابر و بزرگان هر قوم در دوره شیعیان مرسوم شده یا قبل از آن نیز وجود داشته است؟ جایگاه زیارت در میان اقوام دیگر چگونه است؟ اهداف، فواید، آفات و آسیب‌های زیارت چیست؟ علل تکفیر زائران بهترین مخلوقات خداوند، توحیدی یا مغرضانه است؟

برای پاسخ به پرسش‌های مذکور در این مبحث، برخی دلایل قائلان به شرک زوّار مطرح شده است و با ادّله متناقض خود آنان مورد نقد قرار گرفته است. همچنین، به دلیل مخالفت ایشان با خواندن زیارت‌نامه (به‌ویژه در اطراف قبرستان بقیع)، یک بررسی محتوایی پیرامون عبارات، مفاهیم و آداب زیارات مأثور صورت گرفته است تا مشخص گردد تناقضی با توحید دارد یا اهداف مغرضانه باعث منع آن می‌گردد. این مفاهیم و آداب شامل توحید، نبوت، معاد، امامت و جایگاه امام، درخواست شفاعت و توسّل به امام می‌باشد و به نظر نمی‌رسد منافاتی با توحید داشته باشد. برخی مفاهیم، از اصول دین است و در قرآن نیز موجود است و برخی مانند شفاعت با ادّله قرآنی قابل تأیید است.

هدف بیان برخی حقایق با ذکر دلایل قرآنی، روایی و عقلی است، تا حق‌جویان، حقیقت را دریابند و الفت و وحدت بین مسلمانان ایجاد شود و مغرضان رسوا گشته، از اهداف تفرقه‌انگیز خود بازمانند.

۱- بررسی لغوی و اصطلاحی واژه زیارت

لغت‌شناسان این واژه را از سه ریشه گرفته‌اند: «۱- زَوَّرَ (به فتح «ز» و «واو»): میل، انحراف، کجی و عدول از چیزی، یا میل در وسط سینه، بالا و وسط سینه. زُرْتُ فَلَانًا؛ او را زیارت کردم یعنی با سینه خود، [از روبه‌رو] وی را ملاقات کردم» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۳۷۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۶ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۳۳۴). بنابراین، از باب «علم، يعلم» به معنی میل و انحراف است؛ مثل ﴿وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ... ذَاتَ الشَّمَالِ...﴾ خورشید را می‌دید که به هنگام طلوع به غارشان متمایل می‌گردد ... به سمت چپ ... ﴿(الک‌هف/ ۱۷). همچنین، از باب «نصر، ينصر» به معنی قصد و توجه (به‌خلاف ظاهر) و زیارت نیز از آن است؛ مثل ﴿حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید ﴿(التک‌اثر/ ۲)؛ یعنی عدول از غیر (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۸۹ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۳۶۴ و ۳۶۵).

۲- «زَوَّرَ (به فتح «ز» و سکون «واو»): دیدن کردن (از کسی)، ملاقات کردن (کسی)، سر زدن (به کسی)، دیدار کردن (از جایی). زُرْتُ فَلَانًا: تَلَقَّيْتُهُ. یا برخی از ماده «زَوَّرَ» گرفته‌اند، به معنای ملاقات، زیارت و دیدار. مزار به معنای محلّ زیارت، مرقّد ضریح و زیارتگاه آمده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۶؛ آذرنوش، ۱۳۱۶: ۴۲۲ و طریحی، ۱۳۲۰، ج ۳: ۳۱۹-۳۲۰). ابن‌فارس آورده است: «زائر را از آن روی زائر می‌گویند که وقتی به زیارت تو می‌آید، از غیر تو عدول می‌کند و رو برمی‌گرداند» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۶).

۳- «زَوَّرَ (به ضمّ «ز»): سخن کذب و شهادت باطل است، از آن روی که باعث انحراف از راه حق می‌گردد. پس ظاهراً مراد، کلام منحرف از حقّ و سخن باطل است، اعمّ از آنکه دروغ باشد یا غیر آن. به دروغ، زَوَّرَ گفته‌اند؛ زیرا از جهت راست اعدول کرده است و از حقیقت دور و [منحرف شده است. در قرآن فرموده است: ﴿...ظُلُمًا وَزُورًا﴾ ظلم و دروغ بزرگی ﴿(الفرقان/ ۴). بنابراین، گفتار ظالمانه، زور است» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۳۸۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۸۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۳۳۴؛ طریحی، ۱۳۲۰، ج ۳: ۳۱۹ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۳۶۴).

بنابراین، معنای اصلی واژه «زیارت» بر اساس ریشهٔ اوّل و دوم آن، دیدار از کسی یا چیزی و عدول از سایرین است و قصد و توجه به او، خواه آن شخص زنده باشد یا از دنیا رفته باشد و یا حتی مکان مقدّسی باشد. همچنین، زیارت در عرف آن است که انسان با اندیشهٔ بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او، با تمام توجه به وی روی آورد و از دیگران عدول نماید.

۲- زیارت در ادیان گذشته

در این بخش، به بررسی تعظیم و تکریم انبیاء سلف و رهبران و بزرگان جوامع از سوی پیروانشان پرداخته می‌شود. مسئلهٔ دیدار و گرامیداشت بزرگان هر قوم یا اماکن مقدّس، از گذشته‌ها مرسوم بوده است. مردم به دیدار یکدیگر یا به آرامگاه افراد، مکان‌های مذهبی مثل مساجد، معابد، نمادهای مذهبی می‌روند و با این کار، احساس آرامش می‌کنند.

آدم ابوالبشر برای دیدار و زیارت قبر هابیل رفت و بر او گریست و مرثیه خواند (ر.ک؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹۲) و پیامبر خاتم^(ص) بر مرگ فرزندش، ابراهیم گریست (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۶۸). بنابراین، گریه بر مردگان در سنت و روش انبیاء و اولیاء بوده است.

با مطالعهٔ تاریخ مشاهده می‌گردد که همواره بزرگمردان تاریخ به نیکی یاد شده‌اند و به یاد بزرگداشت آنها مقابری ساخته‌اند که حتی بسیاری از آنها باگذشت قرن‌ها هنوز باقی است، اگرچه در محلّ واقعی برخی از آنها اختلاف هست، ولی مورد اقبال مردم می‌باشد که به عنوان نمونه، برخی از معروف‌ترین آنها ذکر می‌شود.

۲-۱) معرفی برخی از مقابر و زیارتگاه‌ها در جهان

در باب قبر حضرت آدم^(ع)، طبری دو نقل آورده است. یکی در مکه و در غار ابوقبیس و در روایتی از ابن‌عبّاس آمده است: «وقتی نوح از کشتی درآمد، آدم^(ع) را در بیت‌المقدّس به خاک سپرد» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۶). البتّه ابن‌طاووس^۱ (م. ۶۹۳ ق.) در کتاب *فرحة الغری* در روایاتی از امام صادق^(ع) می‌گوید: «حضرت نوح تابوت حضرت آدم را از کشتی بیرون آورد و در نجف دفن کرد و هنگام زیارت در نجف، آدم^(ع)، نوح^(ع) و امیرالمؤمنین^(ع) را زیارت کن» (ابن‌طاووس، بی‌تا:

۷۳-۷۴). از متن زیارتنامه‌های نجف که هر سه بزرگوار را مورد خطاب قرار داده است، نقل قول آخری صحیح به نظر می‌رسد.

برای مرقد شیث نقل‌های دیگری نیز هست؛ از جمله در شهر موصل، مسجد و مزاری هست که به شیث نسبت داده می‌شود و در شهر کرک نوح لبنان، مشهد شیث معروف است. همچنین در بقاع لبنان مقبره‌ای است که به مقبره نبی شیث معروف است (ر.ک؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۲۳).

برای آرامگاه حضرت نوح^(ع) نقل‌های مختلفی شده است؛ از جمله: ۱- قریه ثمانین نزدیک کوه جودی در موصل. ۲- نخجوان. ۳- بر کوه بوذ در هند. ۴- در مکه بین زمزم و رکن مقام. ۵- در کوفه. ۶- در مغاره قدس در کنار آدم، سام، ابراهیم، اسحاق و یعقوب^(ع). ۷- در نجف اشرف و در کنار آدم^(ع) و امام علی^(ع). ۸- در کرک بعلبک لبنان که از زمان قدیم منسوب به حضرت نوح و فرزند اوست. در این محل، کتیبه و نقوشی از زمان‌های مختلف وجود دارد که مردم همواره آن را زیارت می‌کنند و به آن تبرک می‌جویند (ر.ک؛ همان: ۴۶). ابن حجر عسقلانی، سبط ابن جوزی و حموی، روایاتی مبنی بر تأیید مدفن حضرت نوح^(ع) در شهر مذکور نقل کرده‌اند (ر.ک؛ همان: ۱۲۳). بی‌آزار شیرازی به نقل از تاریخ کرک نوح آورده است: «در این شهر، مشهد بسیاری از پیامبران و در رأس آنها، مزار شیث، نوح، الیاس و جانشین وی، الیسع^(ع) است. از آنجا که این منطقه مربوط به پرستش الهه سوری (عزیز) بوده، آن را بقاع عزیزی می‌نامیدند» (همان).

حضرت دانیال^(ع) که از نوادگان و خاندان ملوکانه داوود^(ع) است، در شوش (نام قدیمی آن: سوس یا دشت سوسیانا) به خاک سپرده شده است. روی سنگ مزار وی، روایتی از حضرت علی^(ع) نوشته شده است: «مَنْ زَارَ أَخِي دَانِيَالَ كَمَنْ زَارَنِي» (ر.ک؛ همان: ۴۴۱ و ۴۴۳).

آرامگاه حزقیل در ساحل رود فرات قرار دارد. این آرامگاه، زیارتگاه مقدسی برای یهودیان به شمار می‌آید و از سال ۱۳۲۷، چند سال پس از جنگ جهانی دوم و تحولات سیاسی عراق، از آن خبری در دست نیست (ر.ک؛ جلالی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

قبر حضرت عزیر^(ع) یا ارمیا یا یرمیا که یکی از پیامبران مهم بنی‌اسرائیل است و نسب او به بنیامین فرزند حضرت یعقوب^(ع) می‌رسد، در ۶۰ کیلومتری شاهرود به طرف خراسان، در روستای ارمیان است. مرقد اشموئیل (معرب صموئیل یا صمویل) در یازده کیلومتری ساوه^۲ قرار دارد و از گذشته زیارتگاه عام و خاص بوده است. نقل است او کسی بوده که از طرف خدا طالوت را به فرماندهی مردم برگزید. رشیدرضا نظر بیضاوی و دیگر مفسران که اشموئیل را پیامبر مورد اشاره قرآن دانسته‌اند، قوی‌تر می‌شمارد. گنبد و بارگاه اشعیاء^(ع) از کهن‌ترین ابنیه تاریخی در اصفهان به شمار می‌رود و در مسجدی قدیمی درجوار امامزاده اسماعیل است. همچنین، قبر یوشع نبی^(ع) در تخت فولاد اصفهان (لسان‌الأرض) می‌باشد و زیارتگاه مردم است (رک؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۱۲-۴۲۴).

ضریح مقدس پیامبر اکرم^(ص) در مسجدالنبی و مرقد مطهر چهار امام از اهل بیت ایشان، در قبرستان بقیع است. قبر منور ائمه اطهار^(ع) تا حدود صد سال پیش، گنبد و بارگاه داشته است.

علاوه بر مقابر، برخی مکان‌ها نیز به سبب حضور انسان‌های صالح یا وقوع مسئله‌ای مهم، مقدس شمرده شده، زیارتگاه شده است؛ از جمله محل هبوط آدم^(ع) که چندین نقل برای آن شده است؛ مثلاً در بسیاری روایات، کوه سراندیب یا سری‌لانکا را در جنوب هندوستان ذکر کرده‌اند. در این جزیره، کوهی است که پرتقالی‌ها آن را «کوه آدم» نامیده‌اند و گفته می‌شود در آن کوه، جای پای آدم حک شده است و مسلمانان، مسیحیان و بوداییان به زیارت آنجا می‌روند (رک؛ همان: ۲۴-۲۵).

در قرآن آمده که مردم در محل فوت اصحاب کهف، برای بزرگداشت آن جوانمردان مسجدی ساختند و قرآن منعی از آن نکرده است: ﴿...فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا...﴾ گروهی می‌گفتند بنایی بر آنان بسازید. پروردگارشان از وضع آنها آگاه‌تر است، ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند، گفتند که ما مسجدی در کنار آنها می‌سازیم ﴿(الکهف/۲۱). طبرسی ذیل این آیه آورده است: «مشرکان گفتند در مقابل غار بنایی بسازید و آنان را از چشم مردم پنهان کنید... و درباره ﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ...﴾ آورده، پادشاه مؤمن و یارانش و به قولی، دوستان اصحاب کهف که از مؤمنین بودند و به

قولی، بزرگان شهر، گفتند: در اینجا معبد و مسجدی می‌سازیم تا عبادتگاه مردم باشد و مردم از برکات آنان عبادت کنند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۷۱۰). از این آیه استنباط می‌شود که مشرکان قصد محو کردن مقابر اولیای الهی را دارند و موحدان قصد ساخت مسجد و محلّ نماز و عبادت در محلّ مقبره صلحاء را داشته‌اند و دارند. در صورتی که وهابیت اعتقاد دارند که هیچ انسانی نه موحد است و نه مسلمان، مگر اینکه اموری را ترک کند؛ از جمله اینکه گفته‌اند زائران به قصد زیارت به آرامگاه رسول خدا^(ص) وارد نشوند و بر قبر آن حضرت دست نگذارند و در آنجا دعا نخوانند و نماز نگزارند و ساختمان و مسجدی بر روی قبر نسازند (ر.ک؛ سجادی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). ابن تیمیه می‌گوید: «إِنَّهُ لَا يَجُوزُ بِنَاءُ الْمَسَاجِدِ عَلَى الْقُبُورِ...» (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق.، ج ۱: ۱۸). حال آنکه طبق آیه قرآن مسجد کعبه برای یادبود جوانمردانی موحد ساخته شد و مسجدالحرام کنار قبر هاجر و اسماعیل^(ع) می‌باشد و مسجدالنبی در جوار مرقد خاتم پیامبران^(ص) است و علاوه بر آن، اکنون که خودشان ساختمان و مسجد کنار قبر پیامبر^(ص) و دو قبر همجوار ایشان را هر روز توسعه می‌دهند، پس طبق نظر خود آنان، از جرگه مسلمین خارج‌اند.

از جمله مکان‌های مقدّس دیگر از زمان‌های بسیار قدیم که محلّ عبادت هفتاد و پنج پیامبر بوده است، مسجد خیف می‌باشد. در دوران عثمانی، محراب و گنبدی بزرگ در محلّ نماز رسول‌الله^(ص) ساختند، اما در دوران بازسازی و توسعه دوران سعودی برداشته شد (ر.ک؛ قائدان، ۱۳۸۸: ۱۵۶). درب مسجد خیف فقط در ایّام تشریق، در موسم حجّ واجب باز است و بقیّه ایّام سال برای نماز و عبادت از آن استفاده نمی‌شود. از این نمونه مکان‌های مقدّس در سراسر جهان و در همه ادیان، بسیار است و مجال یادآوری آنها نیست.

۳- زیارت در تاریخ اسلام

در اسلام، طبق سنّت پیامبر، زیارت قبور مرسوم بوده است و ایشان به زیارت قبر پدرشان رفتند. همچنین، در حجّه الوداع، قبر مادرشان را زیارت کردند. پیامبر^(ص) و دخترشان فاطمه^(س) به زیارت شهدای اُحُد می‌رفتند، چنان‌چه به سند قوی از امام صادق^(ع) منقول است که حضرت فاطمه^(س) هر صبح شنبه به زیارت قبور شهدا و حمزه^(س) می‌آمدند و برای آنان طلب مرحمت و

استغفار می‌نمودند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۱۴ ق.، ج ۲: ۴۶۸). همچنین، گریه حضرت فاطمه^(ص) در رحلت پدر گرامیشان و سوگواری امیرالمؤمنین^(ع) بر مدفن دخت رسول خدا^(ص) و بالآخره، زیارت جابر از حائر مقدس سیدالشهدا^(ع) نمونه نخستین زیارت‌ها و بهترین زائرین است (ر.ک؛ رکنی یزدی، ۱۳۶۲ «۸-۹»).

زیارت در بین اهل سنت نیز رواج دارد، چنان‌چه قبر شیخ معین‌الدین چشتی، از بزرگان متصوفه در شهر اجمیر هند، همه‌ساله از شبه قاره هند (هند، پاکستان و بنگلادش) زائرین زیادی را پذیرا می‌شود (ر.ک؛ رکنی یزدی، ۱۳۶۲: ۲۶).

۳-۱) زیارت در اسلام طبق روایات و آثار آن

پیامبر^(ص) مسلمانان را به زیارت خود و خاندانشان و مؤمنین دعوت می‌نمود و این مطلب در احادیث بسیاری مورد تأکید ایشان قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه چند مورد بیان می‌شود. پیامبر^(ص) می‌فرماید: «وَكُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ أَلَّا فُزُّوْهُمَا وَلَا تَقُولُوا هُجْرًا فَإِنَّهُ بَدَأَ لِي أَنْ يُرِقَّ الْقَلْبَ» (نوری، ۱۴۰۸ ق.، ج ۲: ۳۶۴). پیامبر در این روایت می‌فرماید: ابتدا شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم (به سبب آنکه به زیارت مشرکان می‌رفتند که ممنوع است. اکنون که قبور مسلمانان و شهیدان درمقابل شماست)، زیارت کنید و یکی از اثرات زیارت را نیز در اینجا می‌گویند که ایجاد رقت قلب است. در حدیث دیگر نیز اضافه می‌کنند که زیارت، دل‌ها را نرم و دیدگان را اشکبار می‌سازد و آخرت را به خاطر می‌آورد و برای شما عبرت است. همچنین ایشان فرمودند: «مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق.، ج ۱۴: ۳۳۲). از امیرالمؤمنین^(ع) نیز نقل است: «أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ^(ص) حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُمْ وَاتَّمُوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ زِيَارَتَهَا وَحَقَّهَا وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهُ» (همان). در این حدیث، امام سفارش می‌نمایند که حجتان را با زیارت رسول خدا تمام کنید و اگر کسی این کار را ترک کند، جفا کرده است و یا حتی سفارش شده به طلب رزق و روزی نزد قبر ایشان، در حالی که برخی این نوع درخواست‌ها را مصداق شرک می‌دانند.

۴- هدف از زیارت

در زیارت باید خود را نزد زیارت‌شونده حاضر دید و همه هدف زیارت در این حضور است که اصطلاحاً می‌گویند: «الزَّيَّارَةُ حُضُورُ الزَّائِرِ عِنْدَ الْمَزُورِ». در واقع، زیارت با معرفت، یعنی بریدن از آنچه مورد توجه و علاقه بوده است و توجه به آنچه قصد شده است (مزور).

«زیارت، اعلام وفاداری صادقانه مرید است به مراد. ابراز علاقه مطیع است به مطاع، و اعلام خودفراموشی جان بر کف مخلص است نسبت به جانان. زیارت عرضه خویشتن بر ترازو و ابزار سنجش است و ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است که به کجا می‌توان رسید» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۷).

زیارت فرصتی است در بازشناسی پیمان‌ها و تجدید و تحکیم آنها، انسان در پناه این میثاق‌ها از لغزش‌ها مصون و از خطرات در امان است (ر.ک؛ واعظ جوادی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). در زیارت، مزور حقیقی پروردگار است، لیکن خداوند هر آنچه را دیدنی است، در وجود ائمه^(ع) به صورت بارز نمایان ساخته است؛ زیرا آنان مظهر کامل اسماء و صفات الهی و نشانه جمال و جلال الهی هستند و همه شئون آنان الهی است (ر.ک؛ همان: ۷۹-۸۰). از این روی، امام صادق^(ع) در اهمیت زیارت پیامبر^(ص) می‌فرماید که زیارت آن حضرت همانند زیارت خداوند در عرش او می‌باشد: «مَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ^(ص) كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴). گویا این زیارت در زمان حیات یا پس از آن تفاوتی نمی‌کند؛ چراکه پیامبر^(ص) فرمودند: «مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي كَانَ فِي جَوَارِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۵: ۵۲۱).

دیدار در زیارت با سایر ملاقات‌ها تفاوتی دارد. در رؤیت، چشم می‌افتد، اما حضور لازم نیست، ملاقات هم یعنی انسان قصد چیزی را بکند، اما حضور لازم نیست. هر جا حضور باشد، شرافت است. در زیارت، هم می‌بیند و هم قصد می‌کند. هم شرافتی است که در رؤیت و ملاقات نیست. این شرافت، آثار همان حضور زائر نزد مزور است که انسان خودش را حاضر ببیند و نفس او متوجه آنجا باشد. این معنا اگر درست فهمیده شود، معنای زیارت از راه دور هم تفهیم می‌شود. غیر این باشد،

غفلت است. آن حضور نفس انسان است که شخص را زائر می‌کند، به‌ویژه زیارت اولیاء از باب وسعتی که دارند، غیر از زیارت سایرین است.

۵- فواید و برکات زیارت

یکی از مهم‌ترین ابعاد مثبت زیارت، نقش الگوگیری از بزرگان است، به گونه‌ای که شخصیت انبیاء، اولیاء و صالحان می‌تواند برای نسل‌های پس از خود در جوامع مختلف الگو باشد و مردم با زیارت آنان (از نزدیک یا دور) با ویژگی‌های ایشان بیشتر آشنا می‌شوند. امروزه یکی از راه‌های میانبر برای رسیدن به هدف، انتخاب الگوست. علاوه بر این، زیارت قبر شهید و کسانی که با فداکاری جان خویش را فدای مردم میهن خود کرده‌اند، گذشته از نقش الگوگیری، نوعی تکریم و پاسداری از آرمان‌های آنان است.

اثر دیگر زیارت، آرامش روحی و معنوی است که انسان‌ها در مکان‌های مقدس، به‌ویژه حرم‌های ائمه پیدا می‌کنند، معمولاً مردم با انبوهی از مشکلات زیارت می‌روند و سبکبار بازمی‌گردند. وقتی انسان مشکلات خود را برای فرد دیگری بیان می‌کند، همین گفتگو مقداری از بار مشکلات او می‌کاهد. بنابراین، وقتی فردی به زیارت امامی می‌رود و او را رازدار و شنونده مشکلات خویش می‌داند و به بیان آنها می‌پردازد و امید به بهبود اوضاع دارد، قطعاً باعث جذب تفکرات مثبت، امید و شادابی و کسب آرامش می‌گردد.

از آثار دیگر آن، روح توحیدی است که انسان در زیارات پیدا می‌کند و به دنبال آن، یاد معاد تقویت می‌گردد، چنان‌که پیامبر نیز فرمودند در سایه زیارت، رقت قلب و یاد آخرت افزایش یافته، به طوری که کمیت و کیفیت عبادات در زیارت و یا حتی مدت‌ها پس از آن بهتر می‌شود و در یک نگاه کلی، به نظر می‌رسد افراد اهل زیارت در توحید قوی‌ترند و در شرایع دین، مستحکم‌تر عمل می‌کنند؛ چراکه مقام معنوی معصوم را بالاتر از شهدا می‌دانند و طبق نص صریح قرآن، شهدا زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند ﴿(آل عمران / ۱۶۹). بر این اساس، حیات معنوی

معصوم پس از رحلت از این دنیا ثابت می‌شود و در زیارت، انسان بیشتر متوجه حیات امام خود می‌شود. زائران طبق آیه **﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾** همان‌گونه شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید **﴿(البقره/ ۱۴۳)﴾** و حدیث امام صادق (ع) ذیل آن: **«نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّجُهُ فِي أَرْضِهِ»** (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۰) معتقدند که ائمه (ع) از شاهدان اعمال هستند و از این رو، مراقبت بیشتری در اعمال خود می‌نمایند.

از جمله آثار زیارت، امام‌شناسی به عنوان مقدمه‌ای برای خداشناسی برتر، از طریق توصیف و تبیین‌های متون برخی زیارات مانند زیارت جامعه و امین‌الله است (ر.ک؛ واعظ جوادی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۰).

از اثرات بسیار مهم زیارت، مشمول شفاعت شدن است. از این رو، در ادامه، بخشی به مسئله شفاعت اختصاص یافته است. رسول خدا (ص) فرمودند: **«مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»** (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۱). چنان‌چه در این حدیث آمده، پیامبر (ص) شفیع زائر خود در قیامت می‌باشد؛ چه او را در زمان حیات زیارت کرده باشد، چه پس از رحلت وی به زیارت وی رفته باشد.

۶- آفت‌ها و آسیب‌های زیارت

مطالب فوق نشان می‌دهد که انسان‌ها همواره به دنبال هستند و فطرتاً خداجو هستند و در پی تعظیم شعائر او هستند. به همین دلیل، انسان‌های صالح و موحد را گرامی می‌داشتند (به منظور تولی) و این کار اگر عبرت گرفتن نسل‌های بعدی از آن الگوها باشد، کاری شایسته است، ولی اگر برای تفاخر و تکاثر باشد، بعد منفی پیدا می‌کند و موجب مرده‌پرستی و نبود تحرک و پویایی می‌گردد. این گونه افراد مورد مذمت خداوند واقع گردیده، مصداق این آیه از قرآن می‌شوند: **﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ* حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾** افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (، از خدا غافل نموده) است، * تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید) **﴿(التکاثر/ ۱-۲)﴾**. همچنین اگر در بزرگداشت کسی افراط شود و او را در حدّ

خالق مستقل بالا ببرند، دچار آفت شرک جلی و غلو می‌شوند و مورد لعن ائمه^(ع) قرار می‌گیرند، چنان‌چه در طول تاریخ، غالیاً این مسیر را پیمودند و به انحراف کشیده شدند. برای پیشگیری از این آفت مهم، باید عبارات و آداب زیارت را از معصومین فراگرفت. بدین روی، در بخش‌های بعدی به بررسی این مهم پرداخته می‌شود.

از دیگر آفت‌های بزرگداشت و زیارت الگوها در ادیان، آلوده به شرک خفی شدن این عمل است. از این رو، همانند سایر اعمال عبادی که ممکن است همراه ریا^۲ شود و مراقبت لازم دارد، در نحوه تعظیم شعائر و الگوها در زندگی نیز به منظور جلوگیری از این آسیب، باید عقلانی و مطابق شریعت عمل کرد تا زیارات خالص و به دور از شرک، با نیت قربةً إلی الله باشد.

۷- انواع زیارت

زیارت به لحاظ منبع صدور انواعی دارد که در ذیل بیان می‌گردد:

۷-۱) زیارت مأثور

زیارت مأثور از زبان معصوم ثنا می‌خواند که گاه مختص هر امامی است؛ مثل زیارت عاشورای معروفه که از امام باقر^(ع) رسیده است و یا زیارات مخصوص ابا عبدالله در اوّل رجب، نیمه آن، عید فطر و قربان، نیمه شعبان، عرفه و نیز زیارت اربعین که همه از امام صادق^(ع) رسیده است و زیارت ناحیه مقدسه هم چنین است. زیارت مأثور برخی اوقات مفهوم عام و کلی دارد و برای زیارت همه ائمه خوانده می‌شود؛ مانند زیارت امین الله به نقل از امام سجّاد^(ع) و زیارت جامعه کبیره از امام هادی^(ع).

۷-۲) زیارت غیرمأثور

زیارت غیرمأثور از زبان زائر ثنا می‌خواند و از جانب معصوم نرسیده است. به نقل از محدث قمی و علامه حلی، این گونه زیارت‌های اختراع شده توصیه نشده است و استحبابی ندارد (ر.ک؛ واعظ جواد، ۱۳۹۱: ۲۰۲-۲۰۳). در بخش‌های بعدی، به بررسی محتوایی زیارات مأثور پرداخته

می‌شود که شامل مفاهیم توحید، نبوت، امامت، جایگاه آن و ... است؛ زیرا اگر آثار زیارت مدّ نظر است، باید آداب و شرایط آن را نیز از خزان علم الهی، یعنی ائمه^(ع) فراگرفت.

۸- آداب زیارت

به دلیل مخالفت برخی فرقه‌ها با زیارت، در این قسمت آداب آن بررسی می‌گردد تا مشخص شود که آیا منافاتی با توحید در آنها یافت می‌شود یا خیر!

۸-۱) اذن دخول

اولین ادب زیارت را قرآن می‌آموزد، آنجا که در باب زیارت پیامبر^(ص) می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاطِرِينَ إِنَاءَهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید، مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیاید و) در انتظار وقت غذا ننشینید، اما هنگامی که دعوت شدید، داخل شوید و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید ﴿(الأحزاب/۵۳)﴾. در این آیه، صراحتاً مسئله اذل دخول برای زیارت پیامبر در زمان حیات آن حضرت مطرح شده است و چنان‌که ذکر شد، پس از رحلت نیز نزد پروردگار حیات دارند. پس برای زیارت ایشان، اذن دخول لازم است. از طرفی، همه ائمه طبق روایت «كُلُّهُمْ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۷۵۲ و مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۷۶)، از یک نور واحدند. از این رو، برای ورود به حرم سایر ائمه نیز اجازه لازم است و جزء مستحبات زیارت می‌باشد و در آداب زیارات مأثور نیز ابتداء، اذن دخول است.

۸-۲) غسل زیارت به همراه ادعیه مخصوص آن

از جمله «اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي، وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَ اشرحْ لِي صَدْرِي، وَ اَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مِدْحَتَكَ، وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُوراً وَ شِفَاءً» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۵۲۸؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰۹).

۸-۳) گفتن شهادتین

به عنوان نمونه در آداب زیارت امام رضا^(ع) آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۵۲۹ و ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۶۴۸).

۸-۴) گفتن تکبیر، تهلیل، تسبیح، تحمید و تمجید

شاید چنانچه مجلسی اول گفته است، وجه تکبیرات پیش از زیارت جامعه کبیره این باشد که بیشتر طبع‌های انسان‌ها به غلو مایل‌اند. بنابراین، با بزرگتر دانستن خداوند از عبارات امثال این زیارت، دچار غلو نشوند و از بزرگی حق - سبحانه و تعالی - غافل نگردند (ر.ک؛ قمی، ۱۳۸۴: ۹۱۴).

۸-۵) فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد

در قرآن نیز به این ادب امر شده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾: خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستد. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید ﴿(الأحزاب/ ۵۶)﴾.

۸-۶) نماز زیارت که خود بالاترین ذکر توحیدی است

علقمه بن محمد حضرمی از قول امام باقر^(ع) قبل از زیارت عاشورا، دو رکعت نماز و تکبیر ذکر کرده است (ر.ک؛ قمی، ۱۳۸۴: ۷۷۶). یا در اکثر زیارات، بعد از خواندن زیارت‌نامه، نماز توصیه شده است. نماز زیارت مانند سایر نمازها به نیت قربۀ الی‌الله است و ثواب آن را هدیه به مژور می‌کنند. بحث هدیه در اسلام نیز مستحب است، خصوصاً برای کسانی که دستشان از دنیا کوتاه است^۴. چنانچه ملاحظه گردید، هیچ یک از این آداب، مخالف توحید نیستند و برعکس در راستای سایر دستوره‌های دین است و منشاء قرآنی دارد.

۹- دسته‌بندی مفاهیم عبارات زیارات مأثور

بررسی و دسته‌بندی این مفاهیم از نظر دستیابی به میزان نسبت آن با توحید و شرک است و اینکه آیا در قرآن کریم نمونه دارد یا خیر.

۹-۱) سلام بر مزور

معمولاً زیارات با سلام بر مزور و معرفی شخصیت او شروع می‌شود، چنان‌چه در زیارت جامعه کبیره از قول امام هادی (ع) برای زیارت همه ائمه (ع) آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ...» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۷۲ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹: ۱۲۷). سلام به انبیاء و اولیاء، حتی پس از رحلت آنان، سند قرآنی دارد، چنان‌چه خداوند در باب حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: ﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾ سلام بر او، آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود! ﴿(مریم/ ۱۵). یا درباره دیگر انبیاء و اولیاء می‌فرماید: ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾ سلام بر نوح در میان جهانیان باد! ﴿(الصافات/ ۷۹)؛ ﴿سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ﴾ سلام بر ابراهیم ﴿(همان/ ۱۰۹)؛ ﴿سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ﴾ سلام بر موسی و هارون ﴿(همان/ ۱۲۰)؛ ﴿سَلَامٌ عَلَى إِيْلَ يَاسِينَ﴾ سلام بر آل یاسین ﴿(همان/ ۱۳۰)؛ ﴿وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ﴾ و سلام بر رسولان ﴿(همان/ ۱۸۱). همچنین، به بهشتیان نیز خطاب می‌شود: ﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ﴾ داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیت ﴿(الحجر/ ۴۶). این دستور به سلام، اجابت فرمان خداست که اگر می‌خواهید در امنیت و سلامتی باشید، با سلام وارد شوید.

۹-۲) شهادت به وحدانیت حق

شهادت به وحدانیت حق و گواهی به رسالت پیامبر (ص) و اقرار به امامت ائمه اطهار که در بخشی از زیارات به آن پرداخته شده است؛ مانند شهادتی که در زیارت جامعه آمده است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ... وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُصْطَفَى وَ رَسُولُهُ الْمُتَرْتَضَى ... وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ

الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصُومُونَ...» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۷۳ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹: ۱۲۸). شهادت به وحدانیت خداوند متعال مکرر بیان شده است.

۹-۳) ابراز علاقه به مزور و همدردی با او در مصائب وارده

ابراز علاقه به مزور و همدردی با او در مصائب وارده؛ مانند این فراز از زیارت عاشورا: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸: ۲۹۱). این کار باعث افزایش محبت به او می‌گردد و به طور کلی، محبت، اطاعت‌آور است و هر کس محبوبی را دوست دارد، امر او را اطاعت می‌نماید. اطاعت از ولیّ خدا، اطاعت از پیامبر^(ص) و در نهایت، اطاعت از خداست و در یک راستا قرار گرفته است. از سویی، اطاعت از پیامبر^(ص) باعث جلب محبت خداوند می‌شود، چنان‌چه می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد؛ و خداوند آمرزندهٔ مهربان است ﴿آل عمران / ۳۱﴾. در این صورت، این قسمت از متون زیارت که محبت اولیای الهی و پیامبر^(ص) را در دل مزور زیاد می‌کند، در نهایت، منجر به جلب محبت خداوند می‌گردد که آثاری در پی دارد که از جملهٔ آنها، بخشیده شدن گناهان (طبق آیهٔ مذکور) است.

۹-۴) توسّل، دعا و درخواست شفاعت

این قسمت معمولاً در پایان زیارت در قالب‌های مختلف می‌آید؛ از جمله درخواست از خداوند به حقّ مزور و آبرویی که او نزد خدا دارد؛ مانند فراز آخر زیارت امین‌الله که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاعْظِنِي رَجَائِي [جَزَائِي] وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنِ^(ع) إِنَّكَ وَلِيٌّ نِعْمَائِي وَ مُنْتَهَى رَجَائِي...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۰). یا به صورت دعا و طلب از پروردگار، برای بهره بردن از شفاعت مزوری که خداوند اذن شفاعت به او داده است؛ مانند ائمه، شهدا و...؛ به عنوان نمونه، در عبارت پایانی زیارت عاشورا آمده است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ...» (همان: ۱۷۹). یا درخواست از خودِ مزور که برای زائر دعا کند

و به اذن خدا شفیع او شود؛ مانند دعای پس از نماز استغاثه به حضرت زهرا^(س): «يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أَغِيثِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹: ۱۵۴). یا اینکه افراد حتی بر سر قبر پدر و مادرشان از آنان می‌خواهند برایشان دعا کنند؛ چراکه معتقدند دعایشان در حق فرزند مستجاب است. در این صورت، دعای صالحان، شهدا و معصومین^(ع) به مراتب افضل است.

بحث درخواست دعا و استغفار از سوی وسیله‌ای چون انسانِ مقرب‌تر مانند انبیاء در قرآن کریم آمده است؛ به عنوان نمونه، چند آیه در این زمینه مطرح می‌شود: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...﴾ و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید^(ک) (المائدة/ ۳۵). برای توبه نیز راه پیشنهادی قرآن کریم مراجعه به رسول است که او برای گنهکار طلب استغفار کند: ﴿...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ...﴾ ... و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد...^(ص) (النساء/ ۶۴). پیامبر^(ص) نیز فقط رسول مردم در ۲۳ سال زمان حیات خود نبوده است، بلکه راه توبه تا آخر الزمان و برای کل امت این رسول و با طلب استغفار از سوی پیامبر رحمة للعالمین باز است. شهید مطهری با استناد به آیه فوق می‌گوید:

«فعل خدا دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش بی‌اعتنا باشد، در گمراهی است. به همین سبب، خداوند گنهکاران را ارشاد نموده که در خانه رسول او بروند و علاوه بر اینکه خود طلب مغفرت می‌کنند، از آن بزرگوار هم بخواهند که برای ایشان بخشش بخواهد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۶۴).

همچنین برادران حضرت یوسف^(ع) به سبب خطای خود، نزد حضرت یعقوب^(ع) آمدند و گفتند: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ * قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ: گفتند پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. * گفت به‌زودی برای شما از پروردگار آمرزش می‌طلبم، که او آمرزنده و مهربان است^(ک) (یوسف/ ۹۷-۹۸).

علاوه بر آمرزش، برای رفع عذاب دنیا نیز می‌توان اولیای الهی را واسطه قرار داد، چنان‌که درباره قوم موسی^(ع) نیز در قرآن کریم آمده است: ﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ

لَنَا رَبِّكَ...: هنگامی که بلا بر آنها مسلط می‌شد، می‌گفتند ای موسی! از خدایت برای ما بخواه ﴿(الأعراف/ ۱۳۴)﴾. پس اولیاءالله را واسطه قرار دادن، شرک نیست و تأیید قرآنی دارد و منافاتی هم با درخواست مستقیم از خدا ندارد و فقط مسیر انسان را هموارتر می‌کند. اما در باب مسئله شفاعت، با وجود ادله قرآنی و روایی، شبهات فراوانی وجود دارد و از این رو، این بحث به صورت مبسوط و مجزا مطرح می‌گردد.

۱۰- ارتباط زیارت با شفاعت

یکی از فواید بسیار مهم زیارت که در جملات زیارات مأثور نیز درخواست می‌شود، شفاعت است، اما از نظر لغوی، «شفع» یعنی انضمام چیزی به مثل آن و شفاعت، پیوستن به دیگری است که یاور و درخواست‌کننده از او باشد و بیشترین کاربرد شفاعت، در پیوستن به کسی است که از نظر حرمت و مقام، بالاتر از فردی باشد که مادون اوست و این معنی شفاعت در قیامت است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۵۷). در معنای لغوی شفع، دو نکته وجود دارد: ۱- پیوستن و انضمام به شفیع ۲- انضمام به «مثل». بنابراین، اگر انسان بخواهد به امام معصوم بپیوندد و از او درخواست یآوری و شفاعت داشته باشد، باید همانندی با امام پیدا کند. به هر میزان به امام شبیه شود، به همان نسبت می‌تواند از شفاعت امام بهره‌بردار. از این رو، شفاعت شامل حال کفار نمی‌شود؛ زیرا هیچ شباهتی با شفیع ندارند. در زیارت ائمه^(ع)، زائر با فراگیری یک دوره امام‌شناسی، طیّ متون زیارات مأثور به مقام و شخصیت امام واقف شده، سعی در الگوگیری از وی می‌نماید. با ایجاد این شباهت، ارتقای روحی-معنوی زائر به اوج می‌رسد و زائر با امام در راستای لقاءالله جفت می‌شود؛ زیرا قرار است با زیارت امام به زیارت خدا برسد. چنان‌که در معنای لغوی بیان شد، زیارت یعنی عدول از دیگران و توجه تمام به مزور. این نوع از زیارت با حضور قلب، باعث جفت شدن با مزور (شفیع)، هم در دنیا و هم در آخرت می‌گردد.

امیرالمؤمنین علی^(ع) درباره ارزش شفیع می‌فرماید: «الشَّفِيعُ جَنَاحُ الطَّالِبِ: شفاعت‌کننده پر و بال طلب‌کننده است» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۹). پس بهتر است هر کس که چیزی طلب می‌کند، شفיעی برای خود برگزیند، اگر از خدا طلب می‌نماید، به مقربین درگاه کبریایی متوسل

شود و ایشان را شفیع خود گرداند و اگر از دیگران طلب می‌کند، هم بر همین قیاس (ر.ک؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۲).

۱-۱۰ ادله قرآنی شفاعت

شفاعت کلی به معنی وساطت یک موجود (مخلوق) میان خدا و موجود دیگر است؛ چه در دنیا، چه در قیامت. لحن و تعبیر آیات در این نوع شفاعت دو گونه است: ۱- اثباتی. ۲- سلبی (ر.ک؛ شجاعی، ۱۳۸۸: ۷۵).

۱-۱۰-۱ آیات اثباتی شفاعت

در این دسته از آیات، مسئله شفاعت با «اذن خدا» مطرح شده است: ﴿... مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! ﴿(البقره/ ۲۵۵). یا ﴿... مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ...﴾ هیچ شفاعت کننده‌ای جز با اذن او نیست... ﴿(یونس/ ۳)؛ ﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ...﴾ در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده است ﴿(طه/ ۱۰۹) و ﴿...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى...﴾ و آنها جز برای کسی که خدا راضی است، شفاعت نمی‌کنند ﴿(الأنبياء/ ۲۸). آیه اخیر شفاعت را برای بندگان شایسته تأیید می‌کند.

۱-۱۰-۲ آیات سلبی شفاعت

بررسی آیاتی که شفاعت را به طور کلی یا برای غیر خدا نفی می‌کند، نشان می‌دهد که این دسته از آیات، عام نیست و روی سخنش با گروه‌های خاصی است؛ از جمله در آیه ﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَئِكَ كَانُوا لَمْ يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ﴾ * قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته‌اند؟! به آنان بگو آیا هر چند مالک چیزی نباشند و درک و شعوری برای آنها نباشد؟! * بگو تمام شفاعت از آن خداست؛ (زیرا) حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست و آنگاه همه شما را به سوی او بازمی‌گردانند! ﴿

(الزمر/۴۳-۴۴). خطاب خداوند با مشرکین است: ﴿...الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ...﴾ ... دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند... ﴿(الزمر/۴۵) که واسطه‌های مستقلی را در وجود، شفیع قرار می‌دادند و عقلاً هم این کار باطل است.

در دو آیه ۴۸ و ۱۲۳ از سوره بقره هم کلاً شفاعت رد شده است، اما روی سخن خداوند طبق خطاب آیه قبل از آن دو، با بنی‌اسرائیل است.^۵ طبرسی از قول دیگر مفسران می‌گوید حکم این آیه مخصوص یهود است که گفتند ما فرزندان پیامبران هستیم و پدرانمان ما را شفاعت می‌کنند. خداوند با این آیات، آنان را ناامید کرده است و منظور ابطال عقیده یهود است، نه رد شفاعت به طور کلی (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۲۳). قرطبی، از مفسران اهل سنت، نیز می‌گوید منظور از نفی شفاعت، برای کافرین است، نه برای عموم، به دلیل اخبار وارده و آیاتی چون ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ از این رو شفاعت شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشد ﴿(المدثر/ ۴۸) و ﴿...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى...﴾ ... و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است، شفاعت نمی‌کنند ﴿(الأنبياء/ ۲۸) و ﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ...﴾ هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد... ﴿(سبا/ ۲۳) (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۷۹).

در آیه ۲۵۴ سوره بقره نیز شفاعت در قیامت نفی شده، اما علامه معتقد است این آیه دلالت دارد بر اینکه سرپیچی از انفاق، کفر و ظلم است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۲۳) و شفاعت مطلقاً برای غیرمؤمنین نیست (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۲۵). طبق تعریف‌هایی که از معنای شفاعت بیان شد، این امر کاملاً عقلی و منطقی است؛ زیرا شباهتی بین شافعان قیامت و کافر نیست.

۱۱- رابطه درخواست حاجت و شفاعت در زیارت با توحید و شرک

پیش از این، بحث درخواست دعا و استغفار از سوی وسیله‌ای چون انسان مقرب‌تر، مانند انبیاء در قرآن بیان شد و اکنون این دلایل قرآنی با سخن ابن تیمیه مقایسه می‌گردد که اعلام کرده هر

کس کنار قبر پیامبر^(ص) یا یکی از افراد صالح بیاید و از آنان حاجت بخواهد، مشرک است. پس واجب است چنین شخصی را وادار به توبه کنند و اگر توبه نکرد، باید گشته شود. «مَنْ يَأْتِي إِلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ صَالِحٍ وَيَسْأَلُهُ حَاجَتَهُ وَيَسْتَنْجِدُهُ... فَهَذَا شِرْكٌ صَرِيحٌ، يَجِبُ أَنْ يُسْتَتَابَ صَاحِبُهُ، فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ» (به نقل از: سجادی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). همچنین محمدبن عبدالوهاب می‌گوید: «کسانی که به انبیاء و اولیاء متوسل می‌شوند، از آنان شفاعت می‌جویند و هنگام سختی‌ها آنها را می‌خوانند، در واقع، عبادت‌کنندگان و پرستندگان همان انبیاء و اولیاء هستند... [البته] در توحید ربوبی این افراد خللی وارد نشده، اما توحید الوهی آنان از بین رفته است؛ زیرا آنان عبادت مختص خدا را ترک کردند و این مسئله در باب زوّار قبور و متوسلان به آنان که چیزی از ایشان درخواست می‌کنند که جز خدا بر آن قادر نیست نیز صادق است (ر.ک؛ همان: ۱۵۸).

مطالب ضدّ و نقیض در کتاب‌های این گروه، فراوان است؛ به عنوان مثال، چنان‌چه گذشت، محمدبن عبدالوهاب شفاعت جستن از انبیاء را معادل پرستش آنها دانسته است و در عین حال، در کتاب‌هایی که دولت سعودی چاپ و بین حجاج توزیع می‌کند، به عنوان دعا آمده است:

«ایمان می‌آوریم به شفاعت عظمی و بزرگی که مختص پیامبر، و آن هم از خداوند شفاعت می‌طلبد تا اینکه بین مردم به مصیبتی که بر آنان وارد شده است، از هم و غم و سختی و شدت روز محشر قضاوت نماید. پس مردم نزد آدم، سپس نزد نوح، سپس نزد ابراهیم، سپس نزد موسی، سپس نزد عیسی^(ع) رفته تا اینکه سرانجام به پیامبر می‌رسند. ایمان می‌آوریم به شفاعتی که مردم را از جهنم بیرون می‌آورد و آن شفاعت برای رسول‌الله^(ص) و پیامبران دیگر و مؤمنان و فرشته‌ها می‌باشد» (العثمین، ۱۴۳۲ ق: ۷۰-۷۱).

در کتاب دیگری به نام پناهگاه توحید که به تعداد بسیاری به زبان‌های مختلف بین حجاج توزیع می‌کنند، مطالب متضاد با قبلی آمده است. نویسندگان این کتاب (که یکی از آنها همان نویسنده کتاب قبلی است)، در مفهوم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آورده‌اند: «هر کس اموات (پیامبر یا غیرپیامبر) یا بُت‌ها و اشجار و دیگر مخلوقات را فراخواند و یا به آنها استغاثه نماید و یا با قربانی و نذر به آنها تقرّب جوید و یا آنها را نماز و سجده کند، آنها را ارباب غیر از خدا ساخته است و انبازهایی برای خداوند قرار داده است و این با اصل (توحید)، متناقض و با مفهوم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ منافات دارد...» (السعدی، ۱۴۲۷ ق: ۷۰). ابن تیمیّه^ع نیز می‌گوید: «از بزرگترین مصادیق شرک،

استغاثه به میت هنگام گرفتاری است؛ زیرا درخواست از پیامبر^(ص) یا صالحین در زمان حیات ایشان با پس از آن فرق می‌کند» (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹-۲۰). مایه تأسف است که این شیوخ، مقام پیامبر^(ص) را از شهدا (که طبق نصّ صریح قرآن، زنده هستند)، پایین‌تر می‌دانند و در ردیف اموات شمرده‌اند و خواندن او را شرک شمرده‌اند. بنابراین، از نگاه آنان، رسول خدا^(ص) پس از رحلت، میت تلقی شده است و دیگر پیامبر تا آخر الزمان امت خویش نمی‌باشد و فقط پیامبر مردم ۲۳ سال زمان دعوت خویش بوده است! و بقیه امت حق خواندن و استغاثه به او و طلب استغفار از او را (که در قرآن توصیه شده)، ندارند، وگرنه مشرک‌اند.

البته از این قبیل حرف‌های مغرضانه و ضدّ و نقیض با صحبت‌های خودشان و احادیث پیامبر^(ص) در منابع آنها فراوان است؛ از جمله سخن ابن تیمیه و بن باز است که گفته‌اند، صدا زدن و خواندن اموات، شرک و کفر است: «وَدَعَا الْأَمْوَاتِ... مِنَ الشُّرْكِ بِاللَّهِ وَالْكَفْرِ» (ابن تیمیه و بن باز، به نقل از؛ سجّادی، ۱۳۸۹: ۱۶۰). در صورتی که پیامبر^(ص) با کشته‌شدگان جنگ بدر حرف زدند و آنها را مورد خطاب قرار دادند. پیامبر^(ص) کار عبث نمی‌کند و اگر آنان نمی‌شنیدند و فهم و ادراکی نداشتند، قطعاً با آنها حرف نمی‌زد، به طوری که در کتاب فقیه^۷ آمده است:

«رسول خدا^(ص) بر سر کشتگان جنگ بدر ایستاد و خطاب به آنان فرمود: ای کسانی که در اینجا جمع شده‌اید! ما آنچه را که پروردگارمان به ما وعده فرموده بود، درست یافتیم و تحقق پیدا کرد. آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده فرموده بود، راست یافتید؟! منافقان با خود گفتند: رسول خدا با مردگان که از سخن گفتن عاجزند، گفتگو می‌کند. رسول خدا^(ص) این را دریافت و فرمود: اگر به آنها رخصت سخن گفتن داده می‌شد، حتماً پاسخ می‌دادند» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۶۱).

از سویی، همه مسلمانان به اتفاق در تشهد تمام نمازهایشان می‌گویند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا النَّبِیُّ...». اگر خطاب «یا رسول الله^(ص)» و «یا علی^(ع)» و مانند اینها شرک باشد و صدا زدن اموات حرام و موجب شرک و کفر می‌شود، پس - العیاذ بالله - این موضوع شامل حال پیامبر^(ص) در جنگ بدر هم می‌شود. در هر حال، صدا زدن مردگان، عبادت آنها نیست (سجّادی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

در نهایت، با ارزیابی آداب، اهداف و مفاهیم زیارت و درخواست‌های مطرح در زیارت‌نامه‌های مأثور (از جمله شفاعت و توسل) روشن می‌گردد که زیارت در راستای تقویت توحید است و زیارت با شرایط آن قابلیت دارد که منجر به زیارت الله شود.

۱۲- شرایط زیارت

ائمّه^(ع) که مظهر علم خداوند هستند، برای دستیابی به بالاترین نتایج دنیوی و آخروی زیارت، علاوه بر آداب و روش آن که در روایات و زیارت‌نامه‌های مأثور آموزش داده‌اند، یک شرط «عارفاً بحقه» گذاشته‌اند که بحث معرفت کامل امام، آن گونه که حق اوست، مطرح است؛ چراکه شناخت ائمّه^(ع) باعث حُب به آنان می‌شود و اصل دین، محبت است. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «...هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۸۲۶). زیارت با رعایت شرایط آن، انسان را به این اصل نزدیک می‌کند. محبت ائمّه منجر به تبعیت و الگوگیری از ایشان می‌گردد و این یعنی در صراط مستقیم قرار گرفتن.

در زیارت اولیاءالله، بحث زیارت الله است. به قصد زیارت خدا و ملاقات اوست که آنان زیارت می‌شوند و تبعیت از اولیاءالله و محبت به آنان هم در واقع، تبعیت از خدا و محبت به اوست. در کلام امام باقر^(ع) آمده است:

«مَعْنَى زِيَارَةِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - زِيَارَةُ حُجَجِ اللَّهِ^(ع). مَنْ زَارَهُمْ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ وَ مَنْ يَكُونُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْمَحَلِّ مَا يَقْدِرُ عَلَى الْإِرْتِفَاعِ إِلَى دَرَجَةِ النَّبِيِّ وَالْأَيُّمَةِ^(ع) حَتَّى يَزُورَهُمْ فِيهَا فَمَحَلُّهُ عَظِيمٌ وَ زِيَارَتُهُمْ زِيَارَةُ اللَّهِ كَمَا أَنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ وَ مُتَابَعَتُهُمْ مُتَابَعَةُ اللَّهِ وَ لَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَذْكُرُهُ أَهْلُ التَّشْبِيهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يَقُولُونَ غُلُوءاً كَبِيراً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۴: ۸۲).

شیخ صدوق نیز در توضیح زیارت خدا می‌گوید: «زِيَارَةُ اللَّهِ تَعَالَى زِيَارَةُ أَنْبِيَائِهِ وَ حُجَجِهِ^(ص) مَنْ زَارَهُمْ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، كَمَا أَنَّ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ غَصَاهُمْ فَقَدْ غَصَى اللَّهَ وَ مَنْ

تَابِعَهُمْ فَقَدْ تَابَعَ اللَّهَ، وَ لَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَا تَتَأَوَّلُهُ الْمُشَبِّهَةُ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ غُلُوباً كَبِيراً» (وافی، ۱۴۰۶ق.، ج ۱۴: ۱۳۲۹؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق.، ج ۶: ۲۸۹ و طریحی، ۱۳۲۰، ج ۳: ۳۱۹-۳۲۰).

بنا بر روایات فوق، زیارت انبیاء و اولیاء، زیارتِ خداست و صحبت کسانی که درخواست از اولیاء را شرک می‌دانند، رد می‌شود. این طرز تفکر به نشناختن مقام اولیاءالله برمی‌گردد. مثل آنان و خدا، همچون جسم و روح است، چنان که نفس، مرتبه نازله روح است، اما با هم ارتباط دارند و از هم جدا نیستند.

نتیجه‌گیری

۱- تاریخ زیارت به تاریخ آفرینش انسان و حضرت آدم^(ع) برمی‌گردد و همواره انسان‌ها بر غم عزیزان از دست‌رفته خود به سوگ می‌نشستند، به‌ویژه اگر آن افراد، جزو انسان‌های برتر یا انبیاء و اولیاء بودند، قرن‌ها مورد توجه و احترام مردم بوده‌اند و هستند. این مسئله در بین مردم ادیان مختلف وجود داشته است و بناها، مقابر و زیارتگاه‌هایی هم برای بزرگان خود ساخته‌اند. بنابراین زیارت و بزرگداشت افراد مهم هر قوم، به سبب الگوسازی برای نسل‌های آینده، تکریم آنان و آرامش فرد زائر، عقلی و عرفی بوده است و نتایج مثبتی دارد.

۲- پیامبر^(ص) که اسوه حسنه است، خود به زیارت پدر و مادرشان و شهدا رفته‌اند و با مردگان در جنگ بدر حرف زده‌اند و آنان را مورد خطاب قرار داده‌اند و بر مرگ فرزند خود، ابراهیم گریسته‌اند. این موارد تأییدی است بر زیارت اموات، جواز گریه بر آنها، داشتن حیات برزخی و فهم اموات.

۳- با بررسی منصفانه و غیرمغرضانه متون زیارات مأثور روشن می‌گردد، حاوی مطالب بلند توحیدی و اسماءالله است و در این چهارده قرن که مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، زیارات ائمه^(ع) را خوانده‌اند، نه تنها مشرک نشده‌اند، بلکه چون با حُبّ ولیّ خدا، مسیرِ اِلی‌الله را پیموده‌اند، زودتر به مقصد رسیده‌اند. البته زیارت نیز مانند سایر عبادات، آفاتی دارد؛ ازجمله شرک و ریا که باید در تمام اعمال عبادی مواظب آن بود. علاوه بر مفاهیم زیارت که شامل اسم خاصّ خدا (سلام)، شهادت به اصول دین (توحید، نبوت و امامت) ابراز علاقه به معصوم، دعا، توسل و درخواست

شفاعت معصوم از خداست، بررسی آداب زیارت نیز نشان می‌دهد، منافاتی با توحید ندارد و مطابق قرآن و سنت است و در راستای تقویت توحید و رسیدن به قرب الی‌الله می‌باشد. بنابراین، مطالب و تناقض‌گویی‌های فرقه‌های ساختگی مانند وهابیت روشن می‌نماید. آنان مغرض‌اند و به دنبال برهم زدن وحدت مسلمانان هستند، نه حقیقت، و تهمت‌های آنان علیه آداب زیارت شیعیان منتفی می‌گردد.

۴- هدف والای زیارت، حضور و توجه به مزور است. این کار باعث محبت به مزور می‌شود و محبت سبب اطاعت از آنان می‌گردد. طبق قرآن، اطاعت از پیامبر^(ص) و ائمه سبب جلب محبت خدا می‌شود. همه ائمه از یک نورد؛ چراکه پیامبر^(ص) فرمود: «...يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ...» (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۹۳). بنابراین، با زیارت اولیاءالله همراه با معرفت حق آنان، زائر محبوب خدا می‌شود. به نظر می‌رسد که از این نظر زیارت اولیاءالله، زیارت خداست. چنان‌چه در وسائل‌الشیعه از شیخ صدوق نقل است: «زِيَارَةُ اللَّهِ زِيَارَةُ أَنْبِيَائِهِ وَ حُجَّجِهِ مَنْ زَارَهُمْ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰: ۴۸۹).

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سید غیاث‌الدین، عبدالکریم بن احمد حلّی، فرزند سید احمد بن طاووس و برادرزاده سید علی بن طاووس، صاحب *إقبال‌الأعمال* است.
- ۲- در جاذبه بوئین زهرا واقع است.
- ۳- مطابق فرمایش امام صادق^(ع): «كُلُّ رِثَاءٍ شِرْكٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۹۳).
- ۴- لازم به ذکر است شبهه‌ای که وهابیت در باب نبود جواز نماز خواندن در جوار مقابر مطرح می‌کنند، منتفی است. این طرز فکر، به‌ویژه هنگام نماز خواندن برخی زوآر در اطراف حرم بقیع به صورت بی‌حرمتی به نمازگزار و شکستن نماز وی بارها از سوی نگارنده مشاهده شده است. در صورتی که پس از رحلت پیامبر^(ص)، به اذن صحابه، ایشان در منزل خویش به خاک سپرده شدند و همسرشان عایشه تا مدت‌ها در آن خانه و در جوار مرقد پیامبر^(ص) نماز می‌خواند و کسی از صحابه به او ایراد نگرفت. در سال ۸۸ نیز در زمان خلافت ولید بن عبدالملک و به فرمان او در طرح توسعه مسجد مرقد پیامبر^(ص) در داخل مسجد قرار گرفت و در طول این ۱۳ قرن که مسلمانان و یا حتی خود وهابیت در آنجا نماز می‌خوانند،

آخدی از فقیهان یا ائمه اطهار به نمازهای مسلمانان در مسجدالنبی در جوار مرقد پیامبر^(ص) ایراد نگرفته‌اند (ر.ک؛ سبحانی، بی‌تا: ۲۸). علاوه بر این، احادیث افضیلت نماز در مسجدالنبی بعد از مسجدالحرام مشهور است؛ به عنوان نمونه، امام صادق^(ع) از پدرانش^(ع) روایت نموده که پیامبر خدا^(ص) فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^(ص) الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَهُوَ أَفْضَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۵۵ و حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۷۹)؛ یعنی یک نماز در مسجد من با ده هزار نماز در مسجدهای دیگر معادل است، مگر مسجدالحرام که برتر است. یا از امام صادق^(ع): «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ^(ص) تَعْدِلُ عَشْرَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۱). در هر صورت، عموم مسلمانان خواندن نماز در مسجدالنبی و در جوار قبر پیامبر^(ص) را جایز می‌شمارند، اما اگر مسلمانی چند قدم آن طرف‌تر در جوار قبرستان بقیع نماز بخواند، به او تهمت شرک می‌زنند، نماز وی را می‌شکنند و بی‌حرمتی می‌کنند (برای ممانعت از یک عمل حلال، چندین حرام مرتکب می‌شوند).

۵- هر دو آیه عیناً مثل هم است: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ...: ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم، به خاطر بیاورید﴾ (البقره/ ۴۷ و ۱۲۲).

۶- «وَهَذَا مِمَّا يُظْهَرُ بِهِ الْفَرْقُ بَيْنَ سُؤَالِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَ سُؤَالِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ... وَ مِنْ أَعْظَمِ الشُّرُكِ أَنْ يَسْتَغِيثَ الْإِنْسَانُ بِرَجُلٍ مَيِّتٍ عِنْدَ الْمَصَائِبِ» (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹-۲۰).

۷- این حدیث در صحیح بخاری نیز نقل شده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۱). *فرهنگ معاصر عربی فارسی*. تهران: نشر نی.

ابن ابی‌زینب، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). *الغیة للنعمانی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. ج ۱. تهران: نشر صدوق.

ابن بابویه قمی، محمدبن علی. (۱۳۸۲). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. ترجمه صادق حسن‌زاده. تهران: ارمغان طوبی.

_____. (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا^(ع)*. تصحیح مهدی لاجوردی. تهران: نشر

جهان.

_____ (۱۳۶۷). *من لا يحضره الفقيه*. ترجمه علی اکبر غفاری و محمدجواد غفاری و

صدر بلاغی. چ ۱. تهران: نشر صدوق.

ابن تیمیة الحرانی، أحمد بن عبدالحلیم. (۱۴۲۱ق.). *المستدرک علی مجموع فتاوی شیخ الإسلام*. به

کوشش محمد بن عبد الرحمن بن قاسم. بی جا: بی نا.

ابن طاووس، عبدالحکیم بن احمد. (بی تا). *فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی بن أبی طالب^(ع)*

فی النجف. قم: منشورات الرضی.

ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغة*. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب

الأعلام الإسلامی.

ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*. تصحیح عبدالحسین امینی. نجف اشرف: دار المرتضویة.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. چ ۳. بیروت: دار صادر.

ابوالمعالی، محمد بن حسین العلوی. (۱۳۴۲). *بیان الأدیان*. تهران: چاپخانه سپهر.

بی آزار شیرازی، عبدالحکیم. (۱۳۸۲). *باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*. چ ۳. تهران: دفتر

نشر فرهنگ اسلامی.

جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۰). *آشنایی با تاریخ ادیان ابراهیمی*. چ ۱. بی جا: بی نا.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). *ادب فنای مقربان*. تحقیق محمد صفایی. چ ۱. قم: مرکز نشر اسراء.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت^(ع).

خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). *شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و دُرر الکلم*. تصحیح

جلال الدین حسینی ارموی محدث. تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. چ ۱. دمشق - بیروت: دار العلم

- الدار الشّامیة.

رکنی یزدی، محمد مهدی. (۱۳۶۲). *شوق دیدار*. مشهد: دانشگاه مشهد - اداره امور فرهنگی آستان قدس.

سبحانی، جعفر. (بی تا). *پاسداری از مرقد پیامبران و امامان*. مشعر مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه

اصفهان.

سجادی، ابوالفضل و مهدی آشناور. (۱۳۸۹). «بررسی و نقد آرای وهابیت در انتساب عنوان شرک به شیعه از

منظر قرآن کریم». *پژوهشنامه علوم معارف قرآن کریم*. ش ۷. صص ۱۵۳-۱۷۱.

السَّعْدی، عبدالرحمن و همکاران. (۱۴۲۷ق.). *پناهگاه توحید*. ترجمه اسحاق بن عبدالله العوضی. چ ۲. ریاض: بی‌نا.

شریف‌الرّضی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴ق.). *نهج‌البلاغه*. تصحیح صالح صبحی. قم: هجرت.
شجاعی، محمد. (۱۳۸۸). *تجسّم اعمال و شفاعت*. چ ۴. تهران: کانون اندیشه جوان.
طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
طبری، محمدبن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری یا تاریخ الرّسل والملوک*. چ ۵. ایرانشهر: انتشارات امامیه (اساطیر).

طریحی، فخرالدّین. (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. تحقیق سیّد احمد حسینی. چ ۳. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۰۷ق.). *تهذیب‌الأحكام*. تصحیح حسن الموسوی خراسان. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طیب، سیّد عبدالحسین. (۱۳۷۸). *أطیب‌البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۲. تهران: انتشارات اسلام.
العثمین، محمدبن صالح. (۱۴۳۲ق.). *عقیده اهل سنّت و جماعت*. ترجمه اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی. چ ۸. ریاض: وزارت امور اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد.
فراهیدی، خلیل‌بن احمد. (۱۴۱۰ق.). *العین*. چ ۲. قم: انتشارات هجرت.
فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق.). *الوافی*. اصفهان: نشر کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی^(ع).

قائدان، اصغر. (۱۳۸۸). *تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره*. تهران: چ ۱۰. نشر مشعر.
قرشی، سیّد علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چ ۶. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
قمی، عباس. (۱۳۸۴). *کلیات مفاتیح‌الجنان*. تصحیح و ترجمه محمدحسین سجّاد. چ ۷. اصفهان: انتشارات مهر ثامن‌الأئمّه.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفّاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

_____ . (۱۳۷۵). *أصول الکافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. چ ۳. قم: انتشارات اسوه.

مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح. (۱۴۲۹ق.). *شرح فروع الکافی*. تصحیح محمدجواد محمودی و محمدحسین درایتی. قم: دار الحديث للطباعة والنشر.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار، الجامعة لذکر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

_____ . (۱۴۰۴ق.). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تصحیح هاشم رسولی محلاتی. چ ۲. تهران: دار الكتب الإسلامية.

مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ق.). *لوامع صاحب قرآنی (مشهور به شرح فقیه)*. قم: مؤسسه اسماعیلیان. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت^(ع).

واعظ جوادی، مرتضی. (۱۳۹۱). *فلسفه زیارت و آیین آن*. چ ۷. قم: اسراء.